

یادداشت

همیشه آسان‌ترین راه را انتخاب نکنیم

تورهای ورزشی با بچه‌های دبستانی در استادیوم‌ها

روبه‌روی تلویزیون نشسته‌ام، هوای متعادل با بهره‌برداری از فن کوئل‌های بی‌سرصدا، دخترم چای می‌آورد، روی کاناپه جابه‌جا می‌شوم تا چای توی گلویم نپرد. قرار است بازی پیکان و استقلال به صورت مستقیم پخش شود. پخش مستقیم هم برای خودش آداب و رسوم و مقررات و حساب و کتابی دارد. کارشناسی که داستان خودش را دارد، ورق کاغذی را به میهمان برنامه می‌دهند و بیچاره باید موارد را حفظ کند و جلوی دوربین بخواند و مجری در موارد مقتضی او را کمک می‌کند و بعد آگهی بازگانی، دوباره مجری، دوباره آگهی و نهایتاً بازی. دیدن فوتبال زنده یک فرایند است، فرایندی که طی آن تنهایی و افسردگی در هم می‌شکند و هم‌افزایی و اتحاد شکل می‌گیرد. قشرها و طبقات اجتماعی یاد می‌گیرند چگونه در کنار هم قرار بگیرند و مسالمت‌آمیز یکدیگر را تحمل کنند. باور کنید دیدن یک بازی از شروع حرکت از در خانه تا محل استادیوم و برگشت معادل یک ترم آموزشی دانشگاهی است. برای جوانی که اجازه ندارد خود به تنهایی مدرسه برود و مانند یک رئیس‌جمهور با اسکورت به

مدرسه می‌رود و بر می‌گردد.

تا کی می‌خواهیم چشم‌ها و گوش‌های فرزندان خود را ببندیم و مانع دیدن و شنیدن واقعیت‌های موجود جامعه شویم، ورزشگاه‌ها را با ترفندهای مختلف خالی از تماشاچی کرده‌ایم، به بهانه‌های مختلف واهی! همیشه آسان‌ترین راه را انتخاب می‌کنیم «حذف رویداد»، نه اصلاح و تغییر آن.

برای داشتن جامعه‌ای پویا، زنده، فعال، درست اندیش و در نهایت متمدن باید اصول تمدن و شهرنشینی را به صورت زنده آموزش داد. باید کنترل شده به درون منجلا ب رفت تا تیرگی‌هایش را شناخت و لمس کرد. بچه‌های دبستانی را باید به شکل تورهای ورزشی به استادیوم برد تا آنها به جو ورزشگاه لطافت بخشنند. ورود خانم‌ها از نظر آقایان اشکال دارد، ورود بچه‌ها که مشکلی ندارد.

نشستن روی کاناپه با نوشیدن چای و صرف تنقلا ت و دیدن فوتبال کنترل شده توسط گیرنده‌های صوتی و تصویری و پخش گزینشی، نیمی از فوتبال واقعی است. ما حاصل چنین نگاه انتقالتی تربیت نسلی است که با واقعیات بیگانه‌اند و در مواجهه با واقعیت‌ها عنان تحمل بریده و گریزان می‌شوند. روش‌های آموزشی امروز مبتنی بر تجربه عملی است، برای شناخت جامعه باید دستی بر سر و روی آن کشید. چند تا فحش ابدار شنید، چند حرکت شنیع و زشت را دید و بعد از شاگردان خواست که بیایید به این وضعیت خاتمه دهیم. و اگر که می‌خواهیم جو ورزشگاه همیشه این گونه باشد «بسم!...»



پرویرختگان

صعود مفتی

تجربه ثابت کرده شیرین‌ترین مزه متعلق به چیزی است که به صورت کاملاً مفتی نصیب آدم شده! مصداق هم نمی‌خواهد! هم ما تجربه شیرین مفتی‌خوری را داریم و می‌دانیم که بین غذایی که در خانه به هزار مرتب تهیه شده با غذایی که در سینی می‌گازرند و دم در خانه دلیوری می‌کنند، کدامش خوشمزه‌تر است!

اگر بخواهیم مثال ورزشی بزنیم باید به این صعود یک پله‌ای استقلال در جدول اشاره کنیم که بعد از کسر امتیاز از پدیده رخ داد! قطعاً شایسته و بایسته و پسندیده است که استقلال حین بازی با سپاهان خودش زحمتش را بکشد و امتیاز بگیرد و در جدول صعود کند اما اهل دل می‌دانند که ارزش این یک پله صعود مفتی، کم از رسیدن به فینال حذفی نیست! پیشنهاد می‌کنیم آقای افتخاری لطف کنند و همین‌طوری که دارند جدول را برانداز می‌کنند، گوش‌ی را بردارند و زنگ بزنند فیفا، یکی یکی آمار بدهی تیم‌های بالای سری را بدهند! شاید معاللات جدول تغییر کرد و استقلال تا چهارمی و پنجمی هم بالا آمد!

انا لله و انا الیه راجعون

خانواده محترم رادان

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت روانشاد مرحوم حاج حسین رادان از مربیان و مدرسان فوتبال کشور و زحمتکش فوتبال آبادان و خرمشهر را به شما خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسألت داریم.

مسعود، چنگیز، نادر، ناصر و خانواده فریادشیران

رهبر معظم انقلاب اسلامی از دلآوری علیرضا کریمی قدردانی کردند

نگین پهلوانی



تمام این سال‌های اخیر میهمان سفره او بوده‌اند، به گرفتن چغیه‌ای راضی می‌شدند. این نگین خاتم اما چگونه به دست پهلوان جوان ما رسید؟ چه سردارها و چه مدیرها و چه بسیار آدم‌هایی که در حسرت گرفتن چنین جایزه نفیسی سال‌هاست در انتظار و حسرتند و علیرضا، حالا می‌تواند هر روز، هر لحظه و در هر نفس، پاداش شیرین‌ترین شکست زندگی خود را در دستانش حس کند. مبارکت باشد «نگین پهلوان».

را در طریق دیگری بچوید و هم دستوری است به مدیران ورزش برای آنکه از وظیفه مسلم خود روی بنگردانند! که مانند سال ۲۰۱۴، دست رد به سینه کشتی‌گیر و خانواده‌اش نزنند و نکوشند تا از زیر وظیفه شانه خالی کنند.

پایان بخش این مراسم کوتاه، همراه می‌شود با هدیه‌ای ناب و ارزشمند. «حضرت آقا» انگشتر دست خود را به علیرضا کریمی هدیه می‌کند. سهم کمتر کسی بوده این انگشتر؛ چه جماعتی که در

در دل جای گرفته. صحبت‌هایی که علیرضا کریمی را پیش خانواده‌اش و پیش ملتش سربلندتر از هر زمان دیگری خواهد کرد. دست گذاشتن «حضرت آقا» روی چنین نکته‌ای برای آغاز بحث، بی‌دلیل و بی حکمت نیست. جملات بعدی شیرین‌ترند و پربارتر و جان‌کلام را بیان می‌کنند. جان‌کلامی که بر جان خسته پهلوان جوان می‌نشیند.

«من از اینکه نشان دادید جوانی از جوان‌های ما حاضر است برای یک هدف بزرگ و بلند با روی نفس خود بگذارد و از حق قطعی و قهرمانی مسلم صرف‌نظر کند، واقعا احساس عزت کردم.»

کشتی فقط برد و باخت نیست. فقط نتیجه گرفتن و رسیدن به پیروزی نیست. گذشتن از نفس هم هست. گذشتن از خود و ذوب شدن در هدفی بزرگ‌تر هم هست. این بزرگی و این هدف‌های اخلاقی والا

را می‌شود در لابه‌لای این سطرها مرور کرد. بردن مهم نیست. باختن مهم نیست. نتیجه همیشه مهم نیست. مهم این است که آدم تکلیفش را بداند و به وقتش به تکلیف عمل کند. این تکلیف در ورزش انگار سنگین‌تر از حوزه‌های دیگر است و انگار که هنوز این تکلیف برای خیلی‌ها جا نیفتاده.

«قدر این کار را بدانید و اجر معنوی آن را از خدا بخواهید، البته مسئولان نیز نباید در تجلیل و پاداش مادی کوتاهی کنند.»

این حرف‌های بیانیی است. حرف‌هایی که هم به پهلوان جوان می‌فهماند که برای کارهای معنوی خود طالب پاداش‌های مادی نباشد و راه عافیت نه، درکش نمی‌کنیم؛ برای ما نوعی تفریح است و سرگرمی، کمی هیجان، با چاشنی هوای آزاد و سلامت که روزهای تعطیل بزنی به دل کوه. کوهستان اما برای عاشقانش معنای دیگری دارد؛ چیزی است از جنس تعلق، از جنس این‌همانی، یکی شدن. همچون «دورسو اوزالای» کوروساوا. در لحظه‌ای که هنوز نشانی از جدایی انسان و طبیعت نیست. آنجا که حواس در هم می‌آمیزند، رنگ‌ها را می‌شود ببوید، صداها را می‌توان دید. آدم‌های عجیبی هستند این اهالی کوهستان. کوهستان برای آنها نه جایی برای رفع خستگی یا برای تمدد اعصاب، که خود خانه است؛ خود زندگی. اما چه بی‌رحم می‌شود گاهی این کوهستان. کوه، با آن ترکیب غریب آرامش و سببیتش، این بار هم عزیزانی را از ما گرفت. آنهایی که



حاشیه

آخرین خبرها از اتوبان لالیگا!

خطر در کمین نونهالان و نوجوانان نفت تهران

در محوطه‌ای بین گل‌ها و درختان پیگیری می‌شود و بازیکنان در شرایطی دشوار و خطرناک تمرینات خود را انجام می‌دهند. ایسن مکان احتمالا بخشی از اتوبان لالیگااست که مالک باشگاه در اولین روز حضورش در نفت وعده احداث آن را داده بود و حالا تیم‌های پایه نفت در مکانی که به علت تردد خودروها با سرعت زیاد حتی جانشان را نیز تهدید می‌کند هر روز تمرینات آماده‌سازی خود را در محلی غیر مرتبط با فوتبال دنبال می‌کنند؛ البته این هم از برکات مدیریت مهدی تاج و همکاران وی در فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ است که تاکنون دست روی دست گذاشته‌اند تا یک نفر از راه برسد و تکلیف مدیریت و مالکیت این باشگاه را روشن کند. کمیته انتقال وزارت نفت هم با عملکرد بسیار ضعیف و شک‌را انگیزش همچنان تماشاگر ماجراست و تاکنون توانسته یا نتوانسته تکلیف آن را نهای نکند.

اما می‌که چنین تفکر ملاحظه‌کاری و مسامحه در کار باشد باید هم خطرات احتمالی همیشه در کمین نونهالان، نوجوانان و جوانان بی‌امکاناتی مثل نفت تهران باشد. آن وقت که اتفاقی ناگوار روی داد همه مسئولان از خواب بیدار شده و به دنبال مقصر نامعلوم خواهند دوید. هر چند سال‌هاست که این رویه در سیستم فوتبال ما ریشه دوانده و مسئولان هم هنگام حوادث بی‌بانه‌هایی داده و خیلی زود هم آن را فراموش کرده‌اند!

انتشار خبرهای مربوط به باشگاه نفت تهران به علت وجود حاشیه‌های تکراری و فراوان جذابیت‌های اولیه خود را از دست داده و کار به جایی رسیده که اهالی فوتبال هر روز و هر لحظه در انتظار شنیدن یک خبر عجیب و غریب از نفت تهران و مالک لالیگایی! باشگاه هستند. تیم‌ریشه‌دار و قدرتمند نفت که در

سال‌های اخیر جزء تیم‌های مدعی مسابقات لیگ برتر بود، در رقابت‌های امسال به دلیل مدیریت بسیار ضعیف و تصمیمات عجیبی که از سوی مدیریت باشگاه اتخاذ می‌شود تنزل تاسف‌باری در جدول رده‌بندی داشته و با وضعیتی بسیار بحرانی در رده چهاردهم جدول قرار دارد.

اما تیم‌های پایه این باشگاه نیز بدتر از تیم بزرگسالان در شرایط عجیب و بحرانی قرار دارند و بدون کمترین امکانات اولیه به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

در تازه‌ترین دیداری که از محل تمرین تیم نوجوانان نفت تهران داشتیم هفته گذشته سری به اتوبان ستاری زدیم و دقایقی از تمرین تیم نوجوانان نفت را از نزدیک تماشا کردیم.

تمرینات تیم نوجوانان نفت در محوطه چمن کنار اتوبان ستاری حداقل شهرک اکباتان و خروجی اتوبان به سمت شیخ فضل ...!



سیدامید صادقی

روزنامه‌نگار

کلید حل مشکلات باشگاه اینجاست



حمید رضا عرب

روزنامه‌نگار

کمپ‌ناصرحجازی‌بازینه‌های بسیار ساخته شد تا کادر فنی و بازیکنان استقلال برای انجام تمرین‌های خود جایی مشخص داشته باشند اما در سال‌های اخیر این کمپ روند فرسایشی به خود گرفته، به طوری که تمرین‌ها به دلیل نامناسب بودن چمن به زمین شماره دو ورزشگاه آزادی انتقال یافته است. این وضعیت ناشی از بی توجهی مسئولان باشگاه استقلال برای حفظ و نگهداری زمین کمپ ناصر حجازی است؛ وگرنه چنانچه حس مسئولیت‌پذیری عمیقی در مقابل این بنای مهم وجود داشت اکنون مجموعه کادرفنی و بازیکنان ناچار نبودند برای انجام تمرینات خود به زمین شماره دو ورزشگاه آزادی بروند. نقطه تاسف‌بار ماجرا آنجاست که مدیران باشگاه استقلال هزینه‌های بسیاری را برای اجاره زمین تمرین به مدیریت ورزشگاه آزادی می‌پردازند اما حاضر نیستند همان هزینه‌ها را صرف نگهداری و ترمیم کمپ‌ناصر حجازی کنند. این سیاست‌های دوگانه موجب شده سطح باشگاه استقلال تا حدیک تیم آماتور و غیر حرفه‌ای پایین بیاید؛ در حالی اگر به چهار، پنج سال قبل رجوع کنیم در می‌باییم با احداث کمپ ناصر حجازی استقلال در واقع قدم‌های نخست در راه حرفه‌ای شدن را برداشته بود و خیلی‌ها امیدوار بودند که بنایی دیگر به امکانات سخت‌افزاری باشگاه استقلال افزوده شده است. حتی صحبت از ساخت ورزشگاهی در زمین تلود که مدیران وقت وعده‌اش را هم داده بودند اما تغییراتی که پس از روی کار آمدن محمود گودرزی و امیر رضا خادم به عنوان نماینده تام‌الاختیار وزیر سابق در باشگاه استقلال رخ داد، به طور کلی این پروژه‌ها را مسکوت گذاشت. بی‌شک اگر مدیرانی همچون افشارزاده و پس از آن افتخاری قدر امکاناتی را که در اختیار استقلال بود، می‌دانستند و

در راه حفظ و نگهداری ابنیه مهمی همچون کمپ‌ناصر حجازی قدم‌های محکمی برمی‌داشتند و به جای صرف هزینه‌های گزاف خرید بازیکنانی که ستاره هم نبودند، به امور کمپ می‌پرداختند لااقل امروز کار به جایی نمی‌رسید که وینفرد شفر، سرمربی آلمانی تهدید به کناره‌گیری کند و از وضع موجود به ستوه آید. تردیدی نیست اگر کمپ ناصر حجازی مانند چهار، پنج سال قبل به محل اصلی تمرین‌های استقلال بدل می‌شد وینفرد شفر هیچ‌گاه از زمان محدودی که برای انجام تمرین‌های استقلال در اختیارش قرار گرفته گله نمی‌کرد و حتی صحبت از استعفا و کناره‌گیری از استقلال را هم به زبان نمی‌آورد. شفر اما از وضع موجود راضی نیست و فقدان زمین‌های مناسب را سدی در راه رسیدن به اهدافش می‌داند. این بدبینی هرگز نمی‌تواند استقلال را به آن آرمان تیمی که سال‌هاست مد نظر هواداران است، برساند و این باشگاه با شرایط موجود در خطر تهدیدهای بیشتری قرار دارد؛ چه بسا این شرایط موجب درجا زدن‌های بیشتر هم در این باشگاه شود. مدیران باشگاه استقلال اگر می‌خواهند با مربی آلمانی طی طریق کنند باید هرچه زودتر شرایط با ثبات تمرینی را ایجاد کنند تا شاید نظم و انضباط به تیم بازگردد و شفر را نسبت به آینده کاری خود در استقلال امیدوارتر کند. با شرایط موجود که هر روز صدای اعتراض سرمربی آلمانی استقلال به دلیل کاستی‌های سخت‌افزاری شنیده می‌شود، نمی‌توان آمیدی به آتی به افتخارترین تیم‌قاره آسیا داشت؛ تیمی که در دل میلیون‌های ایرانی جادار و بسیاری از هواخواهانش انتظار می‌کشند روزهای خوشی که سال‌ها پیش و در لیگ دوازدهم برایشان رقم خورد دوباره تکرار شود. آری، اگر خواست هواداران استقلال برای مدیران امروز اهمیت دارد باید نسبت به بنیادهای ضروری تیم توجه بیشتری شود و این قبیل مشکلات ددستی از پیش روی تیم به خصوص اول شخص کادر فنی برداشته شود تا شاید آن تغییراتی که مدنظر است و سال‌ها انتظارش را می‌کشیم در استقلال پدیدار شده و آبی‌ها به سمت قهرمانی‌های دوباره بروند. از مدیریتان باشگاه استقلال انتظار داریم سری به کمپ حجازی بزنند و مانع از فرسایش این بنای مهم شوند. کمپ می‌تواند کلید حل بسیاری از مشکلات باشگاه استقلال باشد.

کیوسک

مینا موسوی رنوز

مارکا

۵ کل ۵ توپ طلا

رنال مادرید ۵۰+ سه ویا. بهترین ورژن رنال مادرید در این فصل. کریستیانو پنچمین توپ طلای خود را در روزی پنج تایی در برنابو جشن گرفت. پای ناچو و اشرف هم به گلزنی باز شد. والنسیا موقتا به فاصله ۲ امتیازی با راسا رسید.

آس

با ۵ گل به سوی جام جهانی باشگاه‌ها

رونمایی از توپ طلا رونالدو در میان تشویق‌های برنابو. زیدان: «قبلا به شما گفته بودم باید مراقب رونالدو باشید. یک پنالتی بحث برانگیز برای والنسیا. بارسولونا بدون اینیستا به دنبال حذف فاصله .

موندو

فراتر از ۳ امتیاز

بارسلونا با اختلاف ۸ امتیازی وارد ال کلاسیکو می‌شود؛ ماسکرانو همچنان اصرار به جدایی دارد. مسئولان بارسولونا در حال گوشودن درهای باشگاه برای خروج ماسکرانو. مادرید یک سه ویای تدافعی را پنج تایی کرد.

